

تشکیل جبهه جمهوریخواهان را جدی بگیریم

کوروش عرفانی

korosherfani@yahoo.com

آنچه در انتخابات جمعه ۹ اسفند در ایران روی داد نقطه عطفی بود در مبارزات ۲۴ ساله مردم ایران بر علیه نظام. این کار چون نیاز به شجاعت خاصی نداشت توسط مردم دنبال شد. اما این تحریم گسترده، به سهم خود، راه را برای کارهایی مهمتر فراهم می‌سازد. نخست باید به نتایج این تحریم بنگریم.

اولین پیام این اقدام طرد کامل جناح اصلاح‌طلبان با تمام تنوع و شاخکهایش بود. همه قهرمانهای قلابی رژیم که برای روزهای سخت به میدان آورده شده بودند بیکباره جارو شدند: نهضت آزادی، مشارکت، اکثریتی‌ها و کلا دوم خردادیها. این تاییدی است بر این امر که از دید جامعه هر دو جناح رژیم بطور یکسان مورد تنفر و رد عمومی هستند و باید بدنبال کارشان بروند.

دومین نکته: این تحریم نشان داد اگر هم‌صدایی میان نیروهای اپوزیسیون و مخالفان رژیم باشد موثر می‌افتد و کار خود را می‌کند. عبارت دیگر آنچه معمولاً باعث شکست طرحها و ایده‌ها می‌شود نه ماهیت آن، بلکه نبود همسویی نیروهای طرفدار آنست.

و سرانجام تحریم ۹ اسفند درخواست غیر مستقیم مردم بود برای کنار زدن رژیم و جایگزینی آن با یک نیروی قابل قبول. مردم در انتظار آلترناتیو هستند.

این سومین نکته از اهمیتی قابل توجه برخوردارست. زیرا اگر در شرایط حساس کنونی، مخالفان رژیم نتوانند برایش یک جایگزین قابل قبول ارائه دهند، نیروهای غیر مردمی این کار را خواهند کرد. اگر اپوزیسیون آلترناتیو رژیم را معرفی نکند رژیم آلترناتیو خود را در یک دوم خرداد جدید تحمیل خواهد کرد. پس نباید منتظر نشست و دست روی دست گذاشت. تجربه دوم خرداد جلوی ماست و دیدیم که چگونه به همت دفتر مطالعات استراتژیک ریاست جمهوری، زیر نظر حاج سعید حجاریان، جریان خاتمی درسال ۷۵ تهیه و تنظیم شد و از سال ۷۶ به مورد اجرا درآمد.

حالا نیز این احتمال هست که رژیم از میان شبه‌قهرمانهای خود ساخته‌اش یکی را بعنوان قربانی درجه اول روی صحنه آورده و سپس با بال و پر دادن به او، به علیرضا نوری زاده‌ها سفارش فروختنش را خواهد داد. در عرض دو ماه خواهید دید که چگونه ناگهان یکی از این مهره‌های ذخیره وفادار به نظام را بعنوان نجات بخش مردم ایران به میلیونها ایرانی قالب می‌کنند. بعد باز ما بنشینیم پنج شش سال مقاله و اطلاعیه بدهیم تا مردم دریابند که پس از خاتمی یکبار دیگر سرشان را کلاه گذاشته‌اند.

برای اینکه این سناریو و یا آلترناتیوهای آمریکاپسند دیگر نتواند سرنوشت کشور را بدست گیرد باید ما ایرانیان که برای آینده ایران دل می‌سوزانیم به خود آمده و دست به کاری بزنیم که سبب به قدرت رسیدن یک آلترناتیو مردمی و دموکراتیک می‌شود. منظورم از ما همان اپوزیسیون منفردین است، چون سازمانها و گروههای اپوزیسیون تشکیلاتی اگر قادر به این مهم بودند قبلاً این کار را کرده بودند. چنین کاری از توان آنها خارج است. این در درجه اول وظیفه ایرانیان منفرد، اما مبارز و مسئول، است که در این راه پیشگام شوند.

برای تشکیل آلترناتیوی مردمی و دموکراتیک نخست باید یک تقسیم بندی را در میان منفردین انجام دهیم: کسانی که به دنبال آنند تا بعد از سرنگونی دیکتاتوری اسلامی یک نظام مشروطه و پادشاهی را جایگزین کنند و کسانی که خواهان استقرار یک نظام جمهوری در فردای سرنگونی هستند. من

چون خود را در میان جمهوریخواهان می‌بینم به تشریح جایگزین جمهوریخواهان می‌پردازم.

جبهه جمهوریخواهان

اخیرا اندیشه تشکیل یک جبهه جمهوریخواهان در نوشته‌های گوناگون به کرات مطرح شده است. گویی به یکباره و همزمان بسیاری به این فکر افتاده‌اند که تشکیل یک طیف متحد از کسانی که خواهان نظام جمهوری هستند ضرورت یافته است. بطور مثال پس از نوشته م.چشمه، روز پیش مقاله‌ای از محمد حسینی دعوت به تشکیل چنین جبهه‌ای کرده و راهکارهایی نیز در این باره ارائه داده است. بنظر من امروز می‌توان بر مبنای این متون برای ایجاد چنین جبهه‌ای پا جلو گذاشت. محتوای این پیشنهادات همگی با قدری فاصله نزدیک به هم هستند و می‌توان، با چشم پوشی از پاره‌ای جزئیات، بر این واقعیت صحنه گذاشت که پایه‌های فکری این جبهه بطور بالقوه و ضمنی میان بسیاری از ایرانیان مورد توافق بوده و اختلاف مهمی در میان نیست. بخصوص اگر جمهوریخواهانی را در نظر بگیریم که برسر سرنگونی بعنوان یگانه راه از میان برداشتن دیکتاتوری حاکم توافق دارند. حال این سوال مطرح می‌شود که پس چرا چنین جبهه‌ای بطور عملی شکل نمی‌گیرد؟ علت آن ساده است: زیرا تاکنون هیچ یک از پیشنهاداتی که ارائه گردیده با روحیه عمل‌گرایی دنبال نشده و اغلب در حد حرف و نوشته باقی مانده است. گذشتن با بی‌اعتنایی از کنار این پیشنهادات و یا اکتفاء به نقد و بررسی آن دردی را دوا نمی‌کند. امروز که همگیمان بر این ضعف خود، که نبود عمل‌گرایی است، واقفیم آیا باید همچنان از آن رنج ببریم؟ آیا وقت آن نیست که از پوسته انفعال و ناباوری درآییم و قبل از هرچیز به قدرت و توان خودمان باور آوریم؟

من از کلیه هموطنان مبارز می‌خواهم که با ایجاد یک جریان تبادل فکری عظیم بر حول موضوع جبهه جمهوریخواهان شرایط نظری تشکیل آنرا فراهم کنند و در جستجوی آن باشند که با تقویت ارتباطات میان فردی بستری عملی برای شکل‌گیری این جبهه بسازند. سایت‌های مانند دیدگاه، پیک ایران و گویا می‌توانند در این باره نقش مهمی را بر عهده گیرد و با ایجاد یک ستون ویژه تبدیل به چهارراه تبادل نظرات و راهکارهای پیشنهادی در این زمینه باشند.

آنچه این تبادل نظر و راهکاری را سازنده و مثبت می‌سازد باور عمیق و عملی به این نکته است که نظر دیگری همان قدر ارزش دارد که نظر ما. اگر به همدیگر گوش فرا دهیم بی‌شک صدای نجات بخش را میان حرفهایمان خواهیم شنید.